

فصلنامه ادبیات شیعه

سال اول، شماره دوم

پاییز ۱۳۹۲

آسیب‌شناسی شعر شیعی در ادب عربی*

(مطالعه موردي: غلوّ)

دکتر تورج زینیوند**

سمیه بختیاری***

چکیده

غلوّ برخی از شاعران عرب در ستایش یا سوگ اهل بیت^(۱) و بزرگان شیعه، نیازمند بازکاوی و نقد منصفانه است. این پژوهش، بر آن است تا ضمن نگاهی گذرا به اهمیت آسیب‌شناسی شعر چنین شاعرانی، به مطالعه موردی پدیده «غلوّ» در شعر ایشان پردازد. یافته‌های اساسی این جستار نیز در این نهفته است که وجود یک بیت یا حتی یک قصیده نمی‌تواند پشتوانه محکم نقدی و منطقی برای صدور حکم غلو در عقیده و اندیشه این شاعران باشد. افزون بر این، در ارائه احکام نقدی در این زمینه، لازم است که ضمن شناخت اوضاع سیاسی، دینی و فرهنگی روزگار آن شاعران، دیسیسه‌ها و کینه‌توزی‌های برخی از اصحاب تاریخ، ادب، سیاست و عقیده را نسبت به ادبیات شیعه مورد تأمّل قرار داد. از سوی دیگر، ضروری است که در تحلیل شعر این شاعران متعهد، مرز میان مبالغه‌های مقبول و مشهور ادبی و بلاغی با مبالغه‌هایی که از نظر عقلی و دینی، غیرممکن است نیز تفکیک شود.

کلمات کلیدی: شعر شیعی، غلوّ، ادب عربی، اهل بیت (علیهم السلام)، آسیب‌شناسی.

* - تاریخ دریافت: ۹۲/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۱۳

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه

*** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه رازی کرمانشاه

۱- مقدمه

این یک واقعیت است که چکیده شعر عربی در مدح، فخر و غزل و ... تفسیر می‌شود تا آنجا که اگر شعر متعهد این ادبیات، بویژه شعر متعهد شیعی، را از آن جدا سازیم، بیشتر شعرهای این ادبیات، تنها گونه‌ای از میراث ادبی - فکری آن قوم به شمار می‌آیند که برخی زمان‌ها نیز در گمراهی، فساد و تاریکی گام برداشته است. بنابراین، آن گروه از شعرهایی که با رویکردهای غیراخلاقی و اسلامی، سروده شده‌اند از «تاریکی‌های شعر عربی» به شمار می‌آیند و آن گروه از شعرهایی که با رویکردهای انسانی - اسلامی، و در مسیر تکامل فرهنگ و تمدن اسلامی سروده شده‌اند از «روشنی‌های» آن شعر، شمرده می‌شوند.

ادبیات شعر

فصلنامه ادبیات شیعه

۲

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

شعر متعهد شیعی که همپای آغازین گسترش اسلام در جریان بوده است، از روشنی‌های شعر عربی و مایه‌ی فخر این ادبیات می‌باشد؛ زیرا شعری است انسانی، اخلاقی و دینی که سرشار از عاطفه‌ی راستین و عشق فروزان سرایندگانی است که بدون توجه به گرایش‌های سیاسی - مادی، تنها در پی بیان حقیقت رسالت اهل بیت (علیهم السلام) بوده‌اند. این شعر متعهد که در گذر عصرها از فرازها و فرودهای گوناگونی برخوردار بوده است و همواره مورد پذیرش آن گروه از ادبیان و مردمانی بوده است که از فساد، ستم، تملق و ... بیزار بوده و در گرایش به اخلاق، عدالت، دوستی، عزّت، جهاد، و ... بسیار مشتاق بوده‌اند. گستردگی قومی، مذهبی و جغرافیایی این شعر متعهد و ماندگار، آنچنان فراوان است که تحلیل جامع و گردآوری دقیق آن تالاندازه‌ای دشوار به نظر می‌آید.

اما آنچه که در پژوهش‌های مربوط به این شعر، کمتر مورد تحلیل قرار گرفته است، نقد آگاهانه و آسیب‌شناسی درست این شعر می‌باشد؛ پذیرش این دیدگاه که

مضامین شعر شیعی از سروده‌های انسان بوده و فرازهای مقدس و ربانی نیستند، بلکه امکان اشتباه و تناقض در آنها می‌رود، ما را به قابلیت نقدپذیری این شعر و ضرورت چنین پژوهش‌هایی که سبب درک درست و قضاؤت عادلانه نسبت به آن شود، یاری و رهنمون می‌سازد. از جمله موضوعاتی که به نظر می‌رسد نیازمند پژوهش‌ها و تحلیل‌های دقیق و نوین می‌باشد، می‌توان به موضوعات زیر اشاره نمود؛

الف) غلوّهای برخی از شاعران (شیعی و غیرشیعی) در ستایش یا رثای اهل بیت (علیهم السلام)، بزرگان و حاکمان شیعی.

ب) برداشت نادرست برخی از مخالفان و دشمنان شیعه از مفهوم تقیه در شعر شاعران متعهد شیعی.

ج) ستم و ناجوانمردی برخی از تاریخ نگاران، سیره‌نویسان، نقادان، و شاعران درباره شعر و شاعران شیعی.

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۳

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

د) نقد متعصبانه و غیرآگاهانه برخی از نقادان درباره مضامین و ساختارهای این شعر.

ه) به کارگیری برخی صور خیال سطحی و بی‌مایه در این شعر.

و) انتحال و تحریف شمار محدودی از منابع شعری این شاعران از سوی دستگاه‌های سیاسی – مذهبی.

ز) اختلاف برخی از مضامین شعری با دیدگاه‌های قرآنی و سنت پیامبر (ص) و آموزه‌های اهل بیت

ح) شناخت نادرست و ناکافی برخی از نقادان درباره شیعه، اهل بیت و شعر شیعی.

بنابراین، می‌توان گفت که این شعر متعهد از دو زاویه‌ی بیرونی و درونی، نیازمند پژوهش‌هایی نوین و عالمانه می‌باشد تا تفسیر درستی از آن به مخاطبان و دوستداران اهل بیت ارائه شود. این پژوهش، بر آن است تا به بررسی و تحلیل

روشمند یکی از جنبه‌های درونی این شعر متعهد با موضوع و مطالعه موردي عنصر غلو، بپردازد.

پیش از پردازش موضوع، لازم است به پیشینه‌ی موضوع و یافته‌های نوین این پژوهش در مقایسه‌ی با آنها اشاره شود؛

الف) منابع قدیم؛ که غالباً در تحلیل سیره و شعر برخی از شاعران به این موضوع، اشاره نموده‌اند:

(السید الحمیری) : ابن المعتز (١٣٧٥) / الجاحظ، (١٣٨٥) ج ٢: ٢٠٨ / النوبختی (١٤٠٤) : المسعودی (بی‌تا)، ج ٣: ٨٨ / الإصفهانی (١٩٧٥) ج ٧: ٢، ٤، ٥، ٨ و ج ٨: ٣٣ . البغدادی (١٩٨٠) : الشهريستاني (١٩٨٤) م ج ١: ١٥ / الكتبی (بی‌تا) ج ١: ٣٢، ٣٢ . كثیر عزّه: ابن قتیبه (بی‌تا) ج ٢: ١٤٤ / المسعودی (بی‌تا) ج ٣: ٨٧-٨٨ / الإصفهانی (١٩٧٥) ج ٨: ٣٢ / البغدادی (١٩٨٠) : ٢٩-٢٨ / الشهريستاني (١٩٨٤) ج ١: ١٥٠ .

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۴

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

ب) منابع جدید؛ که به دو صورت کلی و جزئی به این موضوع، اشاره نموده‌اند: شوقی ضیف (١٤٢٧) : ج ٢: ٢٩-٢٨ / ج ٣: ٣١١، ٣٢٣ / ج ٦: ٣٢٥، ٣١١، ١٩٤، ١٩٤، ١٩٢، ١٩٧ . ج ٧: ٢٤١-٢٤١، ٢٥٤، ٢٥٠ / ملحس (١٩٩٠) : كثیر عزّه: ١٦٢، ١٧٩، ١٨٠ و السید الحمیری: ٢١٤، ٢١٨ / الفاخوري (١٤٢٧) : كثیر عزّه: ٥٠٣ و ابن هانی: ٩٦١ / فروخ (١٩٨٤) : كثیر عزّه: ٣٧٣-٣٧٢ و ابن هانی، ج ٤: ٢٦٨ / سیاحی (١٣٨٢) : ٤٢، ١٣ . اما آنچه که این پژوهش را از پژوهش‌های ذکر شده، ممتاز می‌سازد، عبارتند از: الف) بررسی و تحلیل دقیق ریشه‌ها و اسباب این آسیب‌شناسی با محوریّت موضوعی جزئی (غلو).

ب) رفع تهمت مبالغه از مفاهیم شعری برخی از این شاعران متعهد.

ج) بیان علت‌های اتهام غلو یا غلو انگاشتن شعر برخی از این شاعران.

د) پرهیز از تعصّب، و کلّی گویی.

۲. پردازش موضوع

دین اسلام، به ویژه مذهب تشیع، بر پایه‌ی اعتدال و میانه‌روی بنا شده است. خداوند در قرآن کریم، امّت اسلامی را «امّتی میانه» توصیف نموده است تا بر مردمان گواه بوده و پیامبر شان (ص) نیز بر این شاخص برجسته‌ی ایشان، گواه باشد:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطَا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...﴾ (بقره / ۱۴۳)

امام علی^(ع) نیز در نهج البلاغه، انحراف به راست و چپ (افراط و تفریط) را نشانه‌ی گمراهی دانسته و گزینش راه راست و اعتدال (راه قرآن و سنت) را به عنوان راه مستقیم و هدایت، توصیف می‌نماید:

«الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوُسْطَىٰ هِيَ الْجَادَةُ، عَلَيْهَا بَاقِي الْكِتَابِ وَآثَارِ النُّبُوَّةِ، وَمِنْهَا مَنْقُدُ السُّنْنَةِ، وَإِلَيْهَا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ، هَلَكَ مَنْ ادَّعَى وَخَابَ مَنْ افْتَرَى»
(نهج البلاغه، خ / ۶۰).

بنابراین، می‌توان دریافت که انحراف از راه هدایت و میانه، سبب گمراهی و زیان فراوان در امور گوناگون زندگی انسان می‌شود. غلوّ دراندیشه، عقیده، ادب و ... نمونه‌ای از این گمراهی‌ها و زیان‌ها به شمار می‌آید که از آن به عنوان یکی از بیماری‌های فکری بشر، یاد شده است.

واژه‌ی «غلوّ» در لغت به معنی گذشتن از حد و میزان، زیاده گویی و گزاره گفتن آمده است. «غلالة» جمع «غالی» است که در پارسی به معنی «گزاره گویان» می‌باشد و در اصطلاح نیز، آن فرقه‌هایی از شیعه هستند که در تشیع خود، زیاده روی نموده

و درباره‌ی ائمه (علیهم السلام)، گزافه‌گویی کرده و ایشان را به خدایی رسانیده و یا
قائل به حلول جوهر نورانی الهی در ائمه و پیشوaran خود شدند و یا به تناسخ، قائل
گشتند (رک: حلی، ۱۳۸۶: ۱۵ / مشکور، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

ساختارهای اساسی عقیده ایشان بر چهار اصل؛ تشبیه، بداء، رجعت و تناسخ
استوار است که فصل مشترک همه‌ی ایشان؛ خدا دانستن حضرت علی^(ع) و دیگر
امامان (علیهم السلام)، جسمانی دانستن خداوند بزرگ، عقیده به تحریف قرآن،
همانندی معجزات امیرمؤمنان با معجزات پیامبران الهی می‌باشد (رک: مشکور، ۱۳۷۹:
۱۵۲-۱۵۱).

چنین اندیشه‌هایی مورد پذیرش شیعه دوازده امامی و دیگر مسلمانان معتدل،
نیست؛ زیرا سخنان و عقاید ایشان براساس آموزه‌های قرآنی، سنت پیامبر (ص) و
سیره‌ی اهل بیت (علیهم السلام) نبوده و با معیارهای عقل و منطق درست بشری در
تناقض و تضاد می‌باشند.

خداوند در قرآن کریم، ضمن نکوهش غلوّ اهل کتاب در دینشان، به برخی عقاید
باطل ایشان از جمله عیسی فرزند خداست و خداوند سه گانه است، اشاره می‌نماید
و پروردگار بلندمرتبه را از چنین وصف‌هایی، بدور دانسته است:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغُلوْا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى
ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ الْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ
أَنْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ (نساء/۱۷۱)

در آیات دیگری نیز به چنین موضوعی، اشاره و از آن، نهی شده است: (رک: آل
عمران، ۵۹ / نساء، ۱۷۲ / مائدہ، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۱۱۶، ۱۱۷ / توبہ، ۳۰-۳۱).

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۶

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز، در خطاب به امام علی^(ع)، مسلمانان را از غلوّ

در اندیشه و دین، نهی نموده است و جایگاه اهل غلوّ را در دوزخ دانسته است:

«يَا عَلِيٌّ! مَتَّلِكُ فِي أُمَّتِي، مَثَلُ الْمَسِيحِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمْ؛ افْتَرَقَ قَوْمُهُ شَلَاثَ فَرَقٍ، فِرْقَةٌ عَادُوْهُ وَ هُمُ الْيَهُودُ، وَ فِرْقَةٌ غَلَوْا فِيهِ فَخَرَجُوا عَنِ الإِيمَانِ، وَ إِنَّ أُمَّتِي سَتَفَرَقُ فِي كِلَّ ثَلَاثَ فِرَقٍ؛ فَفِرْقَةٌ شِيعَتْكَ وَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ فِرْقَةٌ عَدُوْكَ وَ هُمُ الشَّاكُونَ وَ فِرْقَةٌ تَغْلُبُوكَ فِي كِلَّ ثَلَاثَ فِرَقٍ؛ فَفِرْقَةٌ شِيعَتْكَ وَ هُمُ الْجَاهِدُونُ. وَ أَنْتَ فِي الْجَنَّةِ يَا عَلِيٌّ وَ شِيعَتْكَ وَ مُحِبُّ شِيعَتْكَ، وَ عَدُوُّكَ وَ الْغَالِي فِي النَّارِ» (مشکور، ۱۳۷۹: ۱۵۳). به نقل از حاج میرزا خلیل کمره‌ای، کتاب آراء ائمه الشیعه الامامیه فی الغلاة، طبع طهران: ۱۹۴-۱۹۳).

امام صادق^(ع) نیز از مسلمانان می‌خواهد که جوانان خود را از اندیشه‌های غلاة، دور نموده تا فاسد نشوند؛ زیرا براساس دیدگاه ایشان، غلاة، بدترین آفریدگان خدایند. آنان، بزرگی خدا را کوچک می‌شمرند و برای بندگان خدا، دعوی خدایی می‌کنند.

اینان به سبب چنین عقاید باطلی، همانند یهودیان، نصاری، مجوس و مشرکانند:

«اَحْذَرُوْا عَلَى شَبَابِكُمُ الْغُلَّاةَ لَا يُقْسِدُوْهُمْ، فَإِنَّ الْغُلَّاةَ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ. يُصَغِّرُوْنَ عَظَمَةَ اللَّهِ، يَدْعُوْنَ الرَّبُّوْبِيَّةَ لِعِبَادِ اللَّهِ وَ اللَّهِ إِنَّ الْغُلَّاةَ لَشَرٌّ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسِ وَ الَّذِينَ اشْرَكُوْا» (همان: ۱۵۳). به نقل از کمره‌ای: ۵۶-۵۵).

از این‌رو، می‌توان دریافت که اندیشه‌های «غلاه»، مورد پذیرش اسلام اصیل نبوده و گرایش به چنین عقاید باطلی، ریشه در نادانی، ناآگاهی و شناخت نادرست نسبت به اسلام و مذهب تشیع دارد.

واقعیت این است که نمی‌توان تاریخ دقیق و درستی را برای ورود چنین اندیشه‌هایی به ادب عربی و شعر شیعی، معین نمود. اما به نظر می‌رسد که رشد و گسترش چنین عقایدی در زمان امویان و عباسیان به شعر عربی و دینی راه یافته و

در اواخر عصر عباسی و آغاز دوره‌ی انحطاط به اوج خود رسیده است. در این بخش، به تحلیل و نقد نمونه‌هایی از شعر این شاعران پرداخته می‌شود:

۱-۲- کثیر بن عبدالرحمن بن أبي جعفة معروف به کثیر عزّة (۱۵۵/۱هـ): این

شاعر متعهد شیعی اگرچه ابیات و قصایدی زیبا و معتدل در ستایش اهل بیت (علیهم السلام) دارد، اما در برخی از اشعارش، از دایره‌ی اعتدال خارج شده و راه غلوّ را پیش گرفته است. این غلوّ ایشان، به عقیده‌ی شاعر، یعنی «کیسانیه» برمی‌گردد.

کثیر در شعر زیر، عقیده دارد که امام حسین^(ع) در رخداد کربلا به شهادت

نرسیده است، بلکه از چشم‌ها، پنهان شده و به زودی برمی‌گردد. ابوحنیفه نیز در کوه «رضوی» پنهان بوده و خوراکش از آب و عسل می‌باشد و به زودی با سپاهیانی

شجاع، ظهرور نموده و حکومت غصب شده‌ی اهل بیت (علیهم السلام) را به ایشان برمی‌گرداند. چنین تفکری که کیسانیه بر آن اعتقاد دارد، با عنوان «رجعت» از آنان

یاد می‌شود و آن همان اعتقاد به رجعت ائمه (علیهم السلام) پس از مرگشان (غیبت موقت) دارد:

أَلَّا إِنَّ الْأَئمَّةَ مِنْ قُرَيْشٍ
عَلَىٰ وَالثَّالِثَةُ مِنْ بَنِيٍّ
فَسِبْطُ سِبْطٍ يَعْلَمُونَ وَرِبَّلَاءُ
يَقُوْدُ الْحَيَلَ يَقْدِمُهَا الْلَّوَاءُ
بِرَضْوَى عِنْدَهُ عَسَلٌ وَمَاءُ

(به نقل از: شوقی ضیف: ۱۴۲۷، ج ۲: ۳۲۲)

البته، برخی از نویسنده‌گان، درباره ایشان بر این عقیده هستند که پاره‌ای از مورخان قدیم و به تبع آنها برخی از مورخان جدید، به تعصّب بر او تهمت بیجا زده‌اند. این گونه تهمت‌ها گرچه، بیشتر جنبه‌ی سیاسی دارد و هیچ شاعر سیاسی

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۸

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

علوی از آن در امان نبوده است، ولی گاه از ناآگاهی همین مورخان نیز حکایت می‌کند (ر.ک: آئینه‌وند، ۱۳۵۹، ج ۱: ۳۶، به نقل از: کثیر عزّه، حیاته و شعره، احمد الربیعی: ۳۲۱).

۲-۲- اسماعیل بن محمد بن ربیعة بن مفرغ الحمیری معروف به سید حمیری (۱۰۵- ۱۷۳هـ): این شاعر متعدد و ستم ستیز، اشعار فراوانی در مدح یا سوگ اهل بیت و دیگر بزرگان و عالمان تشیع دارد. وی در نیمه‌ی نخست عمرش، و در برخی از قصایدش، راه «کثیر عزّه» و مذهب «کیسانیه» را پیموده است. برخی نیز بر این عقیده هستند که سید حمیری در سال‌های پایانی عمر خویش از چنین عقیده‌ای (کیسانیه) به عقیده‌ی شیعه‌ی امامیه (= جعفریه) روی آورده است. (ر.ک: آئینه‌وند، ۱۳۵۹هـ، ج ۱: ۷۹؛ به نقل از شیخ صدوق (اممال الدین): ۲۰).

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۹

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

عزّه سروده است، چنین می‌گوید:

أَلَا إِنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ قُرَيْشٍ
وَلَا أَنْجَلٌ مِنْ قُرَيْشٍ
عَلَىٰ هُمْ أَنْجَلٌ مِنْ بَنِي إِبْرَاهِيمَ
فَسَبَطٌ مِنْ سَبَطِ إِبْرَاهِيمَ وَجُلْمَ
وَسَبَطٌ لِإِدْرِيزٍ الْمَوْتَ حَسَنٌ

(به نقل از: شوقی ضیف، ۱۴۲۷، ج ۳: ۳۱۱)

همو در ایاتی که منسوب به اوست، مدعی است که «محمد بن حنفیه» همان مهدی منتظر^(۴) است. وی در کوه‌های «رضوی» پنهان است، و از شیرآهوانی که روز و شب در این کوه‌ها به سر می‌برند تغذیه می‌کند، و خداوند، امر نگهبانی او را تا زمان ظهور او به درندگان، واگذار کرده است:

يَا شَعْبَ رِضْوَى مَا لَمْنِ بِكَ لَا يُرِى تَّى مَتَى تَحْفَى وَأَتَ قَرِيبُ

يَابِنَ الْوَصْىِ وَ يَا سَمَّىَ مُحَمَّدٍ كَيْهُ نَفْسَىَ عَلَيْكَ تَذَوْبُ
لَوْغَابَ عَنَّا عُمَرَ رُوحٌ أَيْقَنَتْ مَنَّا التَّفَوْسُ بِأَنَّهُ سَيُوبُ

ترجمه: ای کوه رضوی! چرا آن که در توست دیده نمی شود؟! تا کی پنهان
می شوی، در حالی که نزدیک هستی؟ ای پسر وصی (پیامبر) و ای همنام محمد
(ص) و ای هم کنیه ای او جانم برایت می گذازد. اگر به اندازه عمر نوح از ما پنهان
شود، نفوسي از ما هستند که یقین دارند او باز خواهد گشت.

و نیز به او نسبت داده شده است:

وَ مَا ذَاقَ ابْنُ حَوْلَةَ طَغْمَ مَوْتٍ وَ لَا ضَمَّتْ لَهُ أَرْضٌ عِظَاماً
وَ إِنَّ لَهُ بِإِلَهٍ لَمْ يَعْلُمْ صَدْقٌ وَاندِيَلَةٌ تُحَدِّثُ كِرامًا

ترجمه: پسر (خوله نام مادر محمد بن حفیه)، طعم مرگ را نچشیده است. و هیچ
زمینی، استخوان های او را در خود جای نداده است. و برای او در آنجا (کوه رضوی)
استراحتگاه راستی و مجالسی است که از او به بزرگی سخن می گویند (به نقل از:
معروف الحسنی، ۱۳۷۹: ۸۳).

البته، ناگفته نماند بیشتر اشعار سید حمیری به علت سخت گیری دستگاه اموی،
تحریف یا از بین رفته است (ر.ک: آئینه وند، ۱۳۵۹، ج ۱: ۵۱ به نقل از: طه حسین: حدیث
الأربعاء، ج ۲: ۳۰۸-۳۰۹) و همین موضوع، قضاوت عادلانه و نقد درست شعر او را
دشوار می نماید.

۳-۲- عبدالسلام بن رغبان بن عبدالسلام بن حبیب الكلبی معروف به دیک
الجن الحمصی (۱۶۱-۲۳۶ھق): از شعر متعدد وی، چیز زیادی بر جای نمانده
است؛ از این رو، قضاوت درست درباره غلوهای شعری منسوب به ایشان، امری
بس دشوار می نماید. اما در نگاه نخست به نظر می رسد که با توجه به برخی از
ایاتی که درباره بزرگان تشیع سروده است، شعر وی از اندیشه‌ی غلو به دور نبوده

است. شعر ایشان در رثای احمد بن علی هاشمی (از بزرگان شیعه‌ی حمص)، نمونه‌ای از چنین عقیده‌ای است:

وَأَتَ عَالَمُ غُيْبَ وِالثَّاءِ يَوْمًا إِذَا سُئَلُ أُوْتَسْأَلُ
(به نقل از: شوقی ضیف، ۱۴۲۷، ج ۳: ۳۲۵)

ترجمه: و تو نسبت به غیب (حقیقت و علم) امور خیر در آن روزی که بپرسیم یا پرسیده شویم، بسیار دانایی.

بدون تردید، اسناد علم غیب به چنین فردی، برخلاف آموزه‌های قرآنی و دینی است؛ زیرا علم غیب را تنها خداوند بزرگ و دانای به همه‌ی امور می‌داند که برخی از این آگاهی‌ها و نهفته‌ها را از طریق وحی در اختیار فرستادگان الهی قرار داده است:

﴿ قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ... ﴾ (فل/۶۵)

دانای به غیب، تنها از صفات اوست:

﴿ عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْغَرِيزُ الْحَكِيمُ ﴾ (تغابن/۱۸)

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۱۱

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

نگارندگان، ذکر این نکته را ضروری می‌دانند که علی رغم تلاش زیاد، شاهد دیگری که نشانگر عقیده‌ی غلوّ در نزد شاعر باشد، یافت نکرده‌اند و به نظر می‌رسد، پذیرش دیدگاه مؤلف کتاب «ادبیات انقلاب در شیعه» درباره‌ی این شاعر، امری درست و منطقی به شمار می‌آید. آنجا که می‌گوید: رواج این گونه تهمت‌ها، چون زندقه، خارجی و شعوبی، از برنامه‌های تبلیغی آنها [دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)] و ساخته و پرداخته سانسور چیان و مُهره‌های فرهنگی نظام اموی و عباسی

(به اصطلاح امروز: فراماسون‌ها) بود. چون این گونه مورخان، اکثر جیره خوار دستگاه‌های حاکم بودند، هرگز خارج از محدوده تعیین شده از قبل، به تحقیق نمی‌پرداختند (آئینه‌نوند، ۱۳۵۹، ج ۱: ۱۰۳). از سوی دیگر شاعر، در این بیتی که ذکر شد، ممدوح خویش را به اطلاع از آن علم غیب معروفی که در قرآن آمده، وصف نکرده است، بلکه می‌توان گفت که مقصود شاعر؛ وصف دانایی و آگاهی ممدوح است نه اسناد علم غیب به ایشان.

۴-۲- محمد بن سلطان بن محمد بن حیوس الدمشقی معروف به «ابن حیوس» (۴۷۳-۳۹۴ هق): برخی از ایيات این شاعر گمنام شامی، توصیف‌گر عقیده‌ی اسماعیلی وی بوده که به امامت شیعه از علی علیه السلام تا خلافت و امامت مستنصر عباسی اعتقاد دارند. ایشان در ایيات زیر که در مدح مستنصر عباسی سروده است به عقیده‌ی لاهوتی بودن نور امامت - براساس عقیده‌ی اسماعیلیه - از آغاز تا زمان خلیفه‌ی عباسی اعتقاد دارد. وی بر این باور است که خداوند، میثاق امامت امامان اسماعیلیه را پیش از آفرینش هستی، از تمامی مردمان گرفته است. آنان، سبب آفرینش هستی بوده و بخشش خداوند از گناه حضرت آدم (علیه السلام) تنها بواسطه‌ی فضایل و آفرینش ایشان بوده است. اسماء حسنی و نعمت‌های فراوان امام و خلیفه‌ی مسلمین (مستنصر) آنچنان گسترده است - به مانند اسماء و نعمت‌های پروردگار - که ناشمردنی و توصیف ناپذیرند:

... هُمُ الْأَلَّى أَخْذَ اللَّهُ الْعُهُودَ لَهُمْ وَالنَّاسُ دَرْ عَلَى مِنْ بَرَّأَوْ فَجَرَا لِأَجْلِهِمْ خَلَقَ الْدُّنْيَا وَأَسْكَنَهَا وَذَلِكُبْ آدَمُ لَوْلَا هُمْ لَمَّا غُفِرَ وَ إِنَّ آلَاءَهُمْ مَا لَائِحِطُ بِهِمْ وَصْفٌ عَلَى أَنَّهَا تَسْتَطِقُ الْحَجَرَا

مفهوم بیت پایانی در تضادی آشکار با مضمون این آیه‌ی شریفه می‌باشد که در آن خداوند به گسترده‌ی و فراوانی نعمت‌های بیکرانش، اشاره نموده است:

﴿وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (نحل/۱۸)

افزون بر این، در آموزه‌های دین اسلام، چنین عقیده‌ای (بیت اول و دوم) درباره‌ی انسان‌ها، مورد پذیرش نیست؛ زیرا آفرینش هستی براساس قانون‌ها، نظام‌ها و فلسفه‌های خاص الهی می‌باشد.

-۵- محمد بن حسین بن عبدالصمد العاملی معروف به شیخ بها‌ی (۹۳۵-۱۰۳۰هـ): شیخ بها‌ی، اگرچه از شاعران مخلص، صادق و عالم به شمار می‌آید، اما در برخی از شعرهایش به ویژه در ستایش حضرت مهدی^(ع) راه افراط و غلوّ را پیموده است. ایشان در ایات زیر توصیف‌هایی را به حضرت مهدی^(ع) نسبت می‌دهد که برخلاف آموزه‌های دینی اسلام می‌باشد. توصیفاتی همچون؛ دخالت در اداره‌ی هستی، دخل و تصرف در مقدرات الهی و

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۱۳

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

هَمَامْ لَو السَّبْعُ الطِّبَاقُ تَطَابَقَتْ عَلَى تَقْضِيَةِ مَا يَقْتَضِيهِ مِنْ حُكْمِهِ الْجَارِي
لَنُكَسَّ مِنْ أَبْرَاجِهَا كُلُّ شَامِعٍ وَسُكِنَ مِنْ أَفْلَاكِهَا كُلُّ دَوَارٍ

(به نقل از: شوقی ضیف، ۱۴۲۷، ج ۶: ۱۹۷) ترجمه: بزرگوار و بلندمقامی که اگر هفت آسمان برخلاف حکم و اراده‌ی او، توافق نمایند. هر آینه از اوج به پایین، واژگون می‌شوند و هر فلکی از حرکت در مدار خود، باز می‌ایستد.

البته ناگفته نماند که نویسنده‌ی کتاب «الأدب الملتم بحب أهل البيت^(ع)» بر این عقیده است که چنین ایاتی از شیخ بها‌ی، لازم است در چارچوب غلوّهای بلاگی، تحلیل و تأویل شود نه غلوّهای عقیدتی؛ زیرا افکار و عقاید دینی شاعر در دیگر آثارش، روشن بوده و لازم است که این ایات با آنها مقایسه و تطبیق شوند (سیاحی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

نگارندگان این گفتار، ضمن توافق با این دیدگاه به باور دیگری نیز عقیده دارد و آن چنین است که تحلیل، تأویل و تفسیر چنین شعرهایی به غلوّهای مشهور بلاغی، امری بس دشوار می‌نماید؛ زیرا شکل و رنگ غلوّ عقیدتی بر غلوّ بلاغی آنها برتری داشته و فهم آن نزدیکتر به ذهن می‌آید، اما تأویل بلاغی آنها، نیازمند، تحلیل‌های دور از ذهن و پیچیده می‌باشد که عقل انسانی و معیارهای نقد ادبی، ما را از چنین تفسیرهای دشوار و دور از ذهن، منع می‌نماید. و تنها در صورتی می‌توان، چنین مفاهیمی را از پدیده غلوّ به دور دانست که مقصود شاعر را همان ولايت و تصرف تکوینی بدانیم که امام (ع) در اثر پیمودن راه بندگی به چنان قرب و کمال معنوی رسیده باشد که به فرمان و اذن الهی بتواند در جهان، تصرف نماید.

۶- محمد بن هانی الأزدي المهلبی الأندلسی، معروف به ابن هانی (۳۲۶-

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۱۴

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

۳۶۲هـ): وی بر عقیده اسماعیلیان بوده و قصائد فراوانی در مدح یا رثای اهل بیت (علیهم السلام) و برخی خلفای فاطمی دارد. این شاعر متوجه، غالباً در آن بخش از قصائدی که در مدح یا رثای خلفای فاطمی سروده است، راه غلوّ را پیموده است که به نظر می‌رسد این موضوع به سبب‌هایی همچون؛ وابستگی مذهبی شدید به عقیده اسماعیلیه، تأثیرپذیری از اندیشه‌های کلامی - فلسفی رایج در آن روزگاران، روحیه‌ی تکسیبی شاعر و ... وابسته است. (ر.ک: شوقی ضیف، ۱۴۲۷، ۲۴۳-۲۴۷).

ابن هانی در بیت زیر، دو صفت، «واحد» و «قهرار» را که از اسمای حسنی و صفات پروردگار بلند مرتبه می‌باشند به خلیفه‌ی زمانش، «المعزّ»، نسبت می‌دهد:

مَا شِئْتَ لَمَّا شَاءْتَ الْأَفْدَارُ فَاحْكُمْ، فَائِتَ الْوَاحِدِ الْفَهَارُ

(ابن هانی، ۱۴۱۶هـ: ۱۰۱)

ترجمه: آنچه تو اراده کنی همان می‌شود نه آنچه که قضا و قدر بخواهد. پس حکم نمای که تنها تو یگانه‌ی قهار هستی.

مضمون این بیت برخلاف آموزه‌های قرآن و دین مبین اسلام می‌باشد؛ زیرا چنین ویژگی‌هایی تنها از آن خداوند یگانه و تواناست و کسانی که برای او شریکانی پنداشته‌اند که مانند آفرینش او آفریده‌اند، حقیقت بر آنان مشتبه شده و راه گمراهی را برگزیده‌اند. تنها خداوند است که آفریننده‌ی هر چیزی است و اوست یگانه‌ی قهار:

﴿... أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ فُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلٌّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْفَهَارُ﴾ (رعد/۱۶)

شاعر در بیت زیر، صفاتی همچون؛ منتقم، عزیز، قادر، غفار الذنوب را به خلیفه‌ی زمانش، اسناد می‌دهد:

ئَدْعُوهُ مُنتَقِمًا، عَرِيزًا قَادِرًا غَفَارٌ مَوِيقَةٌ لِذُنُوبٍ صَفُوحًا

(ابن هانی، ۱۴۱۶: ۵۲)

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۱۵

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

ترجمه: او را [به عنوان] منتقم، چیره، توانا و آمرزنده‌ی گناهان بزرگ می‌خوانیم.

مفهوم این بیت نیز در تضاد آشکاری با مضمون این آیات شریفه می‌باشد:

﴿... وَاللَّهُ عَرِيزٌ ذُو اِنْتِقَامٍ﴾ (آل عمران/ ۴)

﴿يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ﴾ (دخان/ ۱۶)

﴿رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَرِيزُ الْغَفَارُ﴾ (ص/ ۶۶)

﴿... إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ...﴾ (زمرا/ ۵۳)

ابن هانی در تعبیری شرک آمیز، بر این عقیده است که این خلیفه است که روزی

بندگان را تقسیم می‌نماید:

رَأَيْشَكَ مَنْ تَرْزُقَهُ يُرْزَقَ مِنَ الْوَرَى، دراکاً، وَ مَنْ تَحْرِمْ مِنَ النَّاسِ يُحْرِمْ

(ابن هانی، ۱۴۱۶: ۱۸۸)

ترجمه: آن کس از مردمان که تو او را روزی دهی، روزی داده می‌شود آنچنان که روزی او را دربرمی‌گیرد و هر که را که از ایشان از روزی، محروم نمایی، محروم می‌شود.

مفهوم این بیت نیز برخلاف آموزه‌های قرآنی است:

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَيِّنُ﴾ (ذاریات/٥٨)

﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَسِّطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ...﴾ (سبأ/٣٦)

گردش روزگار و مرگ وزندگی نیز در قدرت مددوح شاعر است:

لَكَ الدَّهْرُ، وَالْأَيَّامُ تَجْرِي صُرُوفُهَا، بِمَا شِئْتَ مِنْ حَثْفٍ، وَرِزْقٌ مُقَسَّمٌ

(ابن هانی، ١٤١٦: ١٨٨)

ترجمه: روزگار از آن توست. - و روزها همچنان به گردش خود در حرکتند - (و آنچنان بر آن چیره هستی) که مرگ و روزی (حیات) در قدرت توست.

مضمون این سخن شاعر، در تضادی آشکار با این سخن خداوند متعال است:

﴿وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ الْخِلَافُ الْلَّيلُ وَالنَّهَارُ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾ (مؤمنون/٨٠)

مددوح شاعر (امام: خلیفه)، از همه‌ی مردم، برتر و جامع جمیع کمالات و جایگاهی مثل جایگاه بلند پروردگار پاک و منزه و نیز علت آفرینش هستی است:

هُوَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا، وَمَنْ خُلِقَتْ لَهُ، وَلِعَلَّةٍ مَا كَانَتِ الْأَشْيَاءُ

(ابن هانی، ١٤١٦: ٣٣)

ترجمه: او علت غائی دنیاست و هرچه آفریده شده است برای اوست و همه‌ی اشیاء به علتی پدید آمده‌اند. (او علت پیدایش دنیا و مخلوقات است)

چنین مضمونی نیز برخلاف آموزه‌های دینی است؛ زیرا آفرینش هستی براساس

فلسفه و نظامی خاص می‌باشد که آفریدگار توانا، ناظم از چرایی، چگونگی و هدف

آن، چنین می‌گوید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْأَنْسَسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ﴾ (ذاریات/٥٦)

البته، برخی در تحلیل این بیت براین عقیده هستند که «موشکافی و تحلیل عالمانه اشعار ابن هانی نشان دهنده این است که مقصود او از معزّ، امامان^(ع) است و ابن هانی به این خاطر، معز را مورد خطاب قرار می‌دهد که فاطمیان و خلیفه آنان را، یعنی معزّ که شیعه اسماعیلیه هستند از سلاله ائمه می‌داند» (آذرشپ و صیادانی، ۴۵:۱۳۹۲)

مدح او (خلیفه) عبادت، و برابر با مدح پروردگار بوده و دارای آنچنان تأثیری است که سبب آمرزش گناهان می‌شود:

أَرَى مَدْحَاهُ كَالْمَدْحُ لِلَّهِ، إِلَهُ قُوَّةٍ، وَتَسْبِيحٌ يُحَاطُ بِهِ الْوَزْرُ
(همان: ۸۹)

ترجمه: ستایش او را همانند ستایش خداوند، گونه‌ای از قوت و ذکر می‌دانم که سبب کاستن از گناه می‌شود (همان: ۸۹)

چنین دیدگاهی، شرک بوده و برخلاف عقیده دینی مسلمانان می‌باشد؛ خداوند در قرآن کریم به نکوهش و سرزنش آن گروه از مردمانی می‌پردازد که در برابر خدا، همانندی برای او برمی‌گزینند، و آنها را چون دوستی خدا، دوست می‌دارند:

﴿وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَخَذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنَا دُونَهُمْ كَحُبُّ اللَّهِ...﴾ (بقره / ۱۶۵)

وی در شرکی آشکار، صفاتی همچون؛ واحد، صمد، نور، سمیع و ... را به خلیفه فاطمی، نسبت می‌دهد و او را همان نور خالصی می‌داند که دیدگان او را درنمی‌یابند. در حالیکه او همه کس و همه چیز را درمی‌یابد، تا آنجا که نزدیک است مردمان او را به سبب چنین فضیلت‌هایی به عنوان خداوند، پرستش نمایند:

صَرْفُ جِرْبَالٍ يَرَى تَحْرِيمَهَا مَنْ يَرَى الْحَافِظَ فَرِدًا صَمَدًا

ترجمه: هر که خلیفه، حافظ، را یگانه و بی‌نیاز می‌داند، به حرام بودن باده‌ی ناب و خوشگوار نیز اعتقاد دارد.

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۱۷

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

مضمون بیت، با این آیات شریفه در تضاد است:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ﴾ (اخلاص/۱، ۲، ۴)

بَشَرٌ فِي الْعَيْنِ إِلَّا أَنَّهُ مِنْ طَرِيقِ الْعُقْلِ نُورٌ وَهَدَى
ترجمه: در نگاه، به مانند انسان است جز اینکه از زاویه‌ی خرد، نور و هدایت است.

مفهوم بیت، با این سخن خداوند متعال، تناسب ندارد:

(اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...) (نور/۳۵)

جَلَّ أَنْ تُدْرِكَ كَمَّةً أَعْيُّنَّا وَتَعَالَى أَنْ تَرَاهُ جَسَّـداً
ترجمه: او بزرگتر از آن است که چشم‌هایمان وی را دریابند و بلند مرتبه‌تر از آن
است که در مفهوم انسان بگنجد.

فَهُوَ فِي التَّسْبِيحِ زُلْفَى رَاكِعٌ سَمِعَ اللَّهَ بِـهِ مَنْ حَمَّـداً
ترجمه: او به هنگام عبادت، نزدیک و راكع بوده و خداوند، به وسیله‌ی او، سپاس

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۱۸

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

سنایشگر را می‌شنود.
﴿تُدْرِكُ الْأَفْكَارُ فِي هَبَّـا كَادَ مِنْ إِجْلَـاـهِ أَنْ يُعْبَـداـ

(بیت ۷-۱۱ به نقل از: شوقی ضیف، ۱۴۲۷، ج ۷: ۲۴۱ و ایشان به نقل از: الخریده ۲۴۱/۱)

ترجمه: اندیشه‌ها در وجود وی، خبرهایی را درمی‌یابند تا آنجا که از حشمت
جاه و مقام، نزدیک است به مانند خداوند، عبادت شود.

مضمون این ابیات (۳-۵) نیز در تضادی آشکار با مفهوم این آیه‌ی شریفه می‌باشد:

﴿لَا تُدْرِكُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَيْرُ﴾ (انعام/۳-۱۰)

به نظر می‌رسد، تلاش شاعر برای کسب قدرت و ثروت در کنار عوامل دیگر،
یکی از شاخصه‌های مهم گرایش او به غلوّهای عقیدتی باشد؛ پیروی از مضامین
خلوّگونه و ساختارهای استثنائی «منتبی» که او را بدین سبب «منتبی غرب» نام

نهاده‌اند و این گفته خلیفه‌ی فاطمی (المعز) که در مرگ او گفته است: ما به این مرد، دل بسته بودیم که بر شاعران مشرق ببالیم ولی مقصودمان حاصل نشد، از قرینه‌های اثبات این دیدگاه به شمار می‌آیند (ر.ک: الفاخوری، ۱۴۲۷: ۹۶۱).

۷-۲- المؤید فی الدین الشیرازی (؟): وی که از شاعران اندلس و بر عقیده‌ی اسماعیلیان بوده است در برخی از ابیاتش، شماری از صفات و اسماء الهی را به خلفای فاطمی نسبت داده است.

شاعر، خلفای فاطمی را به روز قیامت، تقسیم کننده‌ی بهشت و دوزخ می‌داند که به همراه پیروانشان به بهشت برین وارد شده و دشمنانشان را به سوی آتش دوزخ، می‌رانند:

يَقْسِ مُونَ الْجَنَانَ وَالنَّارَ فِيهِمْ فَلَكُ لِصِ يِهِ الْمَوْجُوبُ
و در جای دیگر، زیارت خلیفه‌ی فاطمی را همانند زیارت خانه‌ی خدا (حج) و سبب بی‌نیازی انسان از سفر به مکه و انجام چنین فرضیه‌ای می‌داند؛ زیرا از دیدگاه ایشان، خلیفه فاطمی، قبله‌ی آغازین و پایانی همه مسلمانان بوده که خداوند بزرگ او را به عنوان معیار پاداش یا عذاب، برگزیده است:

هُلُمٌ إِلَى الْأَرْضِ الْمُقَدَّسَةِ الْتِي بِسَاحِقَهَا سُكَانُهَا أَمْنُوا الْمُؤْمِنُونَ
ترجمه: بسوی سرزمین مقدسی بشتایید که در حرم آن، ساکنش از مرگ در امان مانده‌اند.

إِلَى عَلَمِ الْإِيمَانِ وَالْقِبْلَةِ الْتِي عَلَيْهَا بِلَامِسْكِ دُلُلَتْ وَوُجِهَتْ
ترجمه: به سوی بیرق ایمان و صاحب بشتایید. که بدون نیاز به مشک و عیبر (خوشبوست)، راهنمایی و هدایت شدی.

وَمِيزَانُ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي بِهِ ثُوَفَى الشَّوَابَ الْجَزْلَ إِنْ أَتَ وَفَيَا
(به نقل از: شوقی ضیف، ۱۴۲۷، ج ۷: ۲۵۰)

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۱۹

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

ترجمه: و معیار پاداش پروردگار جهانیان که بواسطه او پاداش فراوان کسب می-
شود. اگر تو آن را کامل بدھی.

مفهوم این ایات با مضمون این آیات شریفه در تضاد است؛ آنجا که خداوند به
رعایت و گرامیداشت ارزش‌های الهی (به مانند حج) تأکید و سفارش نموده است و
آن را از نشانه‌های پارسایی می‌داند:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج/٣٢)

یا به نقش کردار آدمی در تعیین پاداش یا عذاب الهی، اشاره‌ی روشنی نموده است:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِنْ قَالَ ذَرَّةً خَيْرًا يَرَهُ﴾ ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنْ قَالَ ذَرَّةً شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزله/٨-٧)

چنین پاداش یا عذابی براساس عدل الهی بوده و به کسی، ستم نخواهد شد:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ...﴾ (نساء/٤٠)

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۲۰

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

۲-۸- ظافر بن قاسم الإسكندری معروف به ظافر الحداد (نیمه دوم قرن پنجم):

اگرچه غلوّهای این شاعراندلسی به میزان غلوّهای دو شاعر پیشین نیست، اما چندان
هم از مضمون‌ها و ساختارهای ایشان دور نبوده و در برخی از ایيات به تقلید از
آنان، صفاتی همچون؛ فرستاده‌ی خدا، نور الهی و ازلی، میراث دار پیامبران را به
خلیفه‌ی زمانش (الآمر)، نسبت داده است:

أَلْتَ الَّذِي بَعَثَ إِلَيْهِ نَبِيًّا أَبَاءَهُ قَمَّشَلَ وَبِمُؤْلِمَه

ترجمه: تو همان کسی هستی که خداوند پدرانش را بواسطه‌ی او به سوی ما
فرستاده و بزرگی‌های ایشان در او تجلی یافته است.

هَذَا ضِيَاءُ اللَّهِ وَ الْمَغْنَى الَّذِي تَفَاضَلَ الْعَلَمَاءُ فِي تَعْلِيهِ

ترجمه: این پرتوی الهی و همان معنی است که دانشمندان در تعلیل آن، با هم به
رقابت پرداخته‌اند.

مَازَالَ يَنْقُلُهُ إِلَّا لَهُ مُطَهَّرٌ
عَنْ ظَهْرِ مُثْلِذِي حِلْيَةٍ

ترجمه: خداوند آن را پیوسته و پاک از پشت ابراهیم و اسماعیل، منتقل نموده است.

وَتَوَارَثَتِهُ الْأَنْبِيَاءُ وَسَادَةُ الْأَرْضِ
خَفَاءِ حَشَّى حَانَ وَقْتُ حُلُولِهِ

(منبع پیشین، ج ۷: ۲۵۴)

ترجمه: و پیامبران و خلفای بزرگ آن را به ارث برده تاکنون که زمان حلول آن
فرا رسیده است.

چنین مفاهیمی در مدح خلفای فاطمی، نمونه‌ای دیگر از مدح تکسبی و غلو
عقیدتی شاعرانی می‌باشد که برای تقریب به صاحبان قدرت و ثروت یا تبلیغ
اندیشه‌های عقیدتی - کلامی فرق گوناگون، در رقابت و جدال بوده‌اند.

۹-۲- ابن ابی الحدید معترزلی (-/۶۵۶هـ): وی که از بزرگان معترزلی و از

شارحان مشهور نهج البلاغه می‌باشد در برخی از قصائدش (القصائد السبع العلویات)،
ابیاتی غلو آمیز در ستایش حضرت علی (علیه السلام)، سروده است. دخل و تصرف
در قضا و قدر و اداره هستی، نمونه‌هایی از غلوهای عقیدتی غیرمقبول به شمار
می‌آیند که اهل بیت (علیهم السلام) از چنین توصیف‌هایی، بی‌نیاز هستند:

أَلَا إِنَّمَا الْأَقْدَارُ طَوْغٌ يَمِينٌ
فُبُورِكَ مِنْ وَتَرِ مُطَاعٍ وَقَادِرٍ

ترجمه: علی (علیه السلام) دارای آنچنان نیرو و توان روحی است که قضا و قدر
الهی رام اوست خداوند او را یگانه‌ای قرار داده است که هیچ یک از انسانها با او
برابر نیست.

فَلَوْ رَكَضَ الصُّمُ الْجَلَادَ وَأَطِئَ
لَفَجَرَهَا بِالْمُشَعَّاتِ الرَّوَافِدِ

ترجمه: اگر به هنگام راه رفتن، گام‌هایش را محکم بر زمین سفت و سنگلاخ
بکوبد، چشم‌های پُر از آب را بر آن جاری می‌سازد.

وَلَوْ رَأَمَ كَسْفَ الشَّمْسِ كَوَرَ نُورَهَا وَعَطَلَ مِنْ أَفْلَاكِهِ أَكْلُ دَائِرِ

(ابن ابی الحدید، ۱۳۹۲: ۱۲۴-۱۲۵)

ترجمه: اگر تاریکی و خاموشی خورشید را اراده نماید، نورش را در هم پیچیده و می‌کاهد و هر فلکی را از حرکت در مدارش، باز می‌دارد.

به نظر می‌رسد این مفاهیم شعری، بیش از آنکه در شمار غلوّهای بلاغی تحلیل شوند، در چارچوب غلوّهای عقیدتی، جای می‌گیرند؛ زیرا چنین مضمون‌هایی نه شایسته‌ی منزلت اهل بیت (علیهم السلام) بوده و نه در قرآن کریم و سخن پیامبر (ص) یا خود اهل بیت (علیهم السلام) نمونه‌های از آنها آمده است. بنابراین، اسناد دخل و تصرف در قضا و قدر الهی و اداره‌ی هستی به امام علی^(ع)، غلوّی شرک گونه به شمار می‌آید که مورد پذیرش جهان‌بینی اسلامی نیست.

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۲۲

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

۱۰-۲ - علی بن سلیمان المزیدی: با وجود تلاش فراوان و گسترده، چیزی درباره‌ی زندگی و شعر این شاعر گمنام معاصر که ظاهرًا از مزیدی‌های نجف اشرف می‌باشد نیافتنیم. ایشان در ایات زیر، برخی از اسماء حسنی و صفات نیک پروردگار را به حضرت علی^(ع) نسبت می‌دهد که در تضادی آشکار با مبانی جهان بینی اسلامی به سر می‌برند و بازتاب منفی و گسترده‌ای در برخی شبکه‌های اینترنتی داشته است. (www.muslem.net)

ایشان در بیت زیر، بازگشت همه امور را به حضرت علی^(ع) اسناد داده و آگاهی به علم غیب و نهفته‌های درونی انسانها را از صفات بر جسته‌ی او می‌شمرد:

إِلَيْكَ تَصَرِّيْرُ جَمِيعِ الْأُمُورِ وَأَلَّتَ الْعَلَيْمُ بِذَاتِ الصُّدُورِ
جنین مفاهیمی از نشانه‌های گمراهی و شرک بوده و در تضاد آشکار با آموزه‌های قرآنی و دینی اسلام و تشیع، تحلیل می‌شوند؛ زیرا خداوند پاک و منزه در

قرآن کریم به بازگشت همه امور به سوی پروردگار و آگاهی به رازهای درونی انسانها، تأکید نموده است:

﴿... إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ (شوری/٥٣)

﴿... إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (آل عمران/١١٩)

مدوح او زنده کننده مردگان به روز قیامت و حاکم بلا منازع چنان روزی است:
وَأَتَ الْمَبْعَرُ مَا فِي الْقُبُورِ وَحْكَمُ الْقِيَامَةِ بِالنَّصْرِ لَكَ
حال آنکه، زنده نمودن مردگان در روز قیامت و حاکمیت در چنان روز دشواری تنها از آن خداوند است:

﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ (حج/٧)

﴿... فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ (نساء/١٤١)

مدوح شاعر، تنها شنوای بینایی است که بر هر کاری توانست:

أَتَ السَّمِيعُ وَأَتَ الْبَصِيرُ وَأَتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
شاعر در چنین شرکی آشکار، دو صفت پروردگار را به مددوح خویش، نسبت داده است:

﴿... إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (غافر/٢٠)

﴿... إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره/٢٠)

یا در بیت زیر، آگاهی به کردار و نیات همه انسانها و نیز برانگیزاننده اصحاب کهف را پس از آن زمان طولانی، به مددوح خویش نسبت می دهد:

وَأَتَ بِكُلِّ الْرَّأْيِ عَلَيْمٌ وَأَتَ الْمُكَلِّمُ أَهْلَ الرَّقِيمِ
مفهوم مصراج اول در تضادی آشکار با مفهوم این آیه قرآنی، دیده می شود:

﴿... إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (عنکبوت/٦٢)

و مصراع دوم نیز برخلاف مفهوم این آیه‌ی قرآنی می‌باشد که پروردگار به توانایی خویش در زنده نمودن مردگان با محوریت اصحاب کهف، اشاره نموده است:

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرِّقِيمِ كَانُوا مِنْ أَيَّاتِنَا عَجَّابًا﴾ (کهف/۹)

اوج غلوّهای عقیدتی شاعر در مصراع اول بیت زیر دیده می‌شود؛ آنجا که شاعر، ممدوح خود حضرت علی^(ع) را اداره کننده‌ی هستی می‌داند:

أَبَا حَسَنٍ يَا مُدَبِّرَ الْوُجُودِ وَكَهْفَ الطَّرِيدِ وَمَأْوَى الْوُفُودِ

مضمون مصراع نخست، شرک آشکار و مطلق به شمار می‌آید؛ زیرا اداره‌ی هستی، تنها در قدرت ناظمی یگانه و تواناست که هیچ شریکی برای او نبوده و نخواهد بود:

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَخَذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلُّ وَكَرِهُ تَكْبِيرًا﴾ (اسراء/۱۱)

تنها اوست که امور هستی را تدبیر و اداره می‌نماید:

﴿... وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ﴾ (یونس/۳۱)

شعر این شاعر، شیخ ابراهیم بن یحیی بن شیخ محمد عاملی (۱۱۴۵-۱۲۱۴هـ) نیز ممکن است در همین مضمون‌ها تفسیر شود؛ هرچند که لازم است این شعر با تأمل زیادی مورد تحلیل قرار گیرند و چه بسا از دیدگاه تحلیل گران، معنای غلو از آن هم استنباط نشود. زیرا عقل بصیر و سلیم نمی‌پذیرد که عالم و ادبی همچون ایشان برای خداوند چشم و سایر اجزای بدن قائل شود. بلکه، مقصود شاعر، بیشتر از آن جهت که امام^(ع) مطیع مطلق و محض فرمان الهی و اجرائی‌نده حقیقی دستورات دین پروردگار بر روی زمین است. ضمن اینکه کاربرد تعبیرهایی همچون «یدالله» و

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۲۴

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

«وجه الله» در قرآن کریم نیز آمده است و مهم تر زیه ذات پروردگار از تفسیر و توصیف مادی این صفات است:

أَبَا حَسَنِ أَنْتَ عَيْنُ الْإِلَهِ وَعَنْ وَانْ قُدْرَتِهِ السَّامِيَةِ

(به نقل از: www.aqaed.com)

ترجمه: ای ابا الحسن، تو همچون چشم خدا و دارای قدرت والای او هستی.

۳- نتیجه

۱. وجود یک یا چند بیت، یا یک قصیده و حتی چند قصیده، نمی‌تواند معیار و دلیلی قانع کننده برای اتهام یا اثبات غلوّ آمیز بودن همهی شعرهای متعهد یک شاعر شیعی باشد؛ زیرا ممکن است درگذر تاریخ به سبب تعصبات و دسیسه‌های سیاسی-



فصلنامه ادبیات شیعه

۲۵

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

مذهبی، برخی قصائد و ابیات غلوّ آمیز به این شاعران، منسوب شده باشد. بنابراین، چه بسا شاعرانی که در منابع تاریخی و ادبی با این اتهام، مواجهه بوده‌اند، اما شعرهای استنادی به ایشان، از سوی دشمنان و مخالفان جعل شده باشد. این موضوع، نیازمند پژوهش ژرف و دقیق در منابع تاریخی، ادبی و دینی عرب می‌باشد.

۲. بر ناقدان و آگاهان ادب عربی و شعر شیعی، شایسته است که مرز میان مبالغه‌های رایج و مقبول بلاغی را با غلوّها و اغراق‌هایی که از نظر دین، عقل و عادت، غیرممکن است، تفکیک نمایند. بنابراین، ممکن است شعرهای برخی از این شاعران که اکنون با اتهام غلوّ روپرورست، در چارچوب گونه‌ی نخست قرار بگیرند، نه در گونه‌ی دوم.

۳. شعر متعهد شیعی، مایه‌ی فخر و سر بلندی ادب عربی و جهانی به شمار می‌آید؛ زیرا در آن روزگارانی که شعر بسیاری از شاعران بر جسته‌ی عرب در خدمت زرمانداران و زورمنداران اموی و عباسی بوده است، دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) با شعر مکتبی خویش، سرود مقاومت، رسالت، امامت، مبارزه، جهاد، تعهد، واقعگرایی، آزادی، آزادگی، ظلم ستیزی و .. را سر داده‌اند. از این‌رو، اتهام غیر منصفانه غلوّ به تمامی شعر و شاعران این گونه‌ی متعهد، چیزی جز حسادت، دشمنی، کینه و تعصّب نمی‌تواند باشد.

۴. تحلیل قصاید غلوّ‌آمیز برخی از این شاعران، نیازمند بازکاوی و شناخت درست و عادلانه منابع ادبی و اوضاع سیاسی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و دینی آن روزگاران است. البته، نباید از ویژگی‌های فردی و روانی این شاعران در سرایش چنین مضمون‌هایی نادیده گرفته شود که ممکن است شاخصی مهم در علت گرایش به این پدیده باشد.

۵. بیان درست برتری‌ها و فضیلت‌های مشهور و بر جسته‌ی اهل بیت (علیهم السلام)، نوعی فخر فروشی و غلوّ نیست؛ زیرا چنین فضیلت‌هایی - افزون بر منابع تاریخی - در قرآن کریم و احادیث متواتر رسول گرامی اسلام (ص) بر آن تأکید شده است. از این‌رو، مبالغه‌ها یا غلوّ‌های برخی از شاعران درباره‌ی ایشان، چیزی بر منزلت بزرگ آنان نخواهد افزود، همانطور که نبود چنین غلوّ‌هایی نیز چیزی از جایگاه بلند ایشان نخواهد کاست.

۶. به نظر می‌رسد، تفکیک غلوّ‌های این شاعران در مدح یا رثای بزرگان و حاکمان تشییع از مدایح یا سوگنامه‌هایی که درباره‌ی اهل بیت (علیهم السلام) سروده شده است امری بایسته و شایسته است؛ زیرا فضیلت‌های هیچ فرد و گروهی با فضیلت‌ها

ادبیات شیعه

فصلنامه ادبیات شیعه

۲۶

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

و برتری‌های خاندان رسول اکرم (ص)، قابل قیاس نیست. از سوی دیگر، غلوّهای آن شاعران در مدح یا رثای بزرگان و حاکمان تشیع، وابسته به تحلیل سبب‌هایی همچون؛ وابستگی شدید شاعران به عقائد و مذاهب دینی عصر خویش، تأثیرپذیری از جدال‌ها و اندیشه‌های کلامی- فلسفی رایج در آن روزگاران، روحیه‌ی تکسّبی برخی از این شاعران، دسیسه‌ها و فتنه‌های دینی- سیاسی حاکم بر فضای عصر آنان و ... می‌باشد.

* * * * *

كتابنامه

❖ قرآن کریم.

❖ آذرشب، محمدعلی و علی صیادانی؛ (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل برخی عقاید شیعه در همزیه ابن هانی اندلسی، فصلنامه پژوهشی ادبیات شیعه، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، سال اول، شماره اول، صص ۶۵-۲۹.

❖ آئینه وند، صادق؛ (۱۳۸۴)، *الأدب السياسي في الإسلام*، چاپ ششم، تهران: سمت.

❖ (۱۳۵۹). ادبیات انقلاب در شیعه، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

❖ ارزنده، مهران؛ (۱۳۸۵)، ابن هانی، ج ۵ دائرۃ المعارف بزرگ اسلامی، چاپ سوم، تهران: مرکز دائرۃ المعارف بزرگ اسلامی.



فصلنامه ادبیات شیعه

۲۷

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

- ❖ الأندلسى، ابن هانى؛ (١٤١٦)، ديوان ابن هانى الأندلسى، قدم عليه و شرحه: أنطوان نعيم، الطبعة الأولى، بيروت: دارالجيل.
- ❖ الإصفهانى، ابوالفرج؛ (بى تا)، الأغانى، طبعة بولاق، بيروت: دارصعب.
- ❖ ابن ابى الحذيد المعذلى؛ (١٣٩٢)، القصائد الهاشمىات(للكميت) والقصائد العلويات(لابن ابى الحذيد: الروضة المختارة)، تحقيق صالح على صالح، بيروت: مؤسسه الأعلمى للمطبوعات.
- ❖ ابن قتيبة، عبداللهبن مسلم؛ (١٩٦٤)، الشعر والشعراء، بيروت: دارالثقافة.
- ❖ ابن المعترز، أبوالعباس عبدالله؛ (١٣٧٥)، طبقات الشعراء، الطبعة الثانية، مصر: دارالمعارف.
- ❖ امام على(ع)؛ (١٣٧٩)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتى، چاپ سیزدهم، قم: الهادى.
- ❖ الأمين، السيد محسن؛ (١٤٠٣)، أعيان الشيعة، بيروت: دارالتعارف.
- ❖ امينی نجفى، عبدالحسین؛ (بى تا)، الغدیر، ترجمه جمال موسوى، تصحيح: محمدباقر بهبودی: کتابخانه اسلامی و غدیر.
- ❖ _____؛ (بى تا)، الغدیر، ترجمه محمدتقى واحدى، مهر آیین.
- ❖ الجاحظ، عمروبن بحر؛ (١٣٨٥)، الحيوان، تحقيق عبدالسلام هارون، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- ❖ حکیمی، محمدرضا؛ (١٣٥٦)، ادبیات و تعهد در اسلام، چاپ اول: آزادی.



فصلنامه ادبیات شیعه

۲۸

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

- ❖ سیاحی، صادق؛ (۱۳۸۲)، الأدب الملزם بحبّ أهل البيت(عليهم السلام)، چاپ اول، تهران:سمت.
- ❖ شوقی ضیف؛ (۱۴۲۷)، تاريخ الأدب العربي (العصر الإسلامي)، ج ۲، الطبعة الثانية، قم: ذوى القربى.
- ❖ _____؛ (۱۴۲۷)، تاريخ الأدب العربي(العصر العباسي الأول)، ج ۳، الطبعة الثانية، قم: ذوى القربى.
- ❖ _____؛ (۱۴۲۷)، تاريخ الأدب العربي(العصر العباسي الثاني)، ج ۴، الطبعة الثانية، قم: ذوى القربى.
- ❖ _____؛ (۱۴۲۷)، تاريخ الأدب العربي(عصر الدول والإمارات: الشام)، ج ۶، الطبعة الثانية، قم: ذوى القربى.
- ❖ _____؛ (۱۴۲۷)، تاريخ الأدب العربي(عصر الدول و الإمارات: مصر) ج ۷، الطبعة الثانية، قم: ذوى القربى.
- ❖ _____؛ (۱۴۲۷)، تاريخ الأدب العربي(عصر الدول و الإمارات: الأندلس) ج ۸، الطبعة الثانية، قم: ذوى القربى.
- ❖ الشهري، ابوالفتح؛ (۱۹۸۴)، الملل و النحل، تحقيق: محمد سيد كيلاني، بيروت: دار المعرفة.
- ❖ حلّی، محمد؛ (۱۳۸۶)، نقش غلوّ در انحراف عقاید و افکار، چاپ اول، قم: زائر آستانه مقدسه.
- ❖ صالحی نجف آبادی، نعمت الله؛ (۱۳۸۴)، غلوّ (درآمدی بر افکار و عقاید غالیان در دین)، چاپ اول و دوم، تهران: کویر.



فصلنامه ادبیات شیعه

۲۹

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

- ❖ ؛ (١٣٨٠)، عصای موسی یا درمان بیماری غلو، چاپ اول، تهران: امید فردا.
- ❖ الفاخوری، حنّا؛ (١٤٢٧)، تاریخ الأدب العربي (الأدب القديم)، الطبعة الثالثة، قم: ذوى القربي.
- ❖ فروغ، عمر؛ (١٩٨٤)، تاریخ الأدب العربي (الجزء الأول والرابع)، الطبعة الخامسة، بيروت: دارالعلم للملائين.
- ❖ الكتبی، ابن شاکر؛ (بی‌تا)، فوات الوفیات، تحقيق محمد محبی الدین عبدالحمید، مصر: السعاده.
- ❖ مختاری، قاسم؛ (١٣٨٤)، میراث ماندگار شیعی (تاریخ و تحلیل اشعار شاعران برجسته شیعه)، چاپ اول، اراک: دانشگاه اراک.
- ❖ المسعودی، علی بن الحسین؛ (بی‌تا)، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقيق محمد محبی الدین عبدالحمید، بيروت: المکتبة الإسلامية.
- ❖ مشکور، محمد؛ (١٣٦٨)، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، چاپ ششم، تهران: اشراقی.
- ❖ مظفر، محمدحسین؛ (١٣٦٨)، تاریخ شیعه، ترجمه سید محمد باقر حجّتی، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ❖ معروف الحسنی، هاشم؛ (١٣٧٩)، شیعه در برابر معتزله و اشعره، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ❖ ملحس، ثریا عبدالفتاح؛ (١٩٩٠)، حزب الشیعه فی أدب العصر الأموی، الطبعة الأولى، بيروت: الشركة العالمية للكتاب.



فصلنامه ادبیات شیعه

۳۰

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی

❖ نعمة ، عبدالله؛ (١٤٠٠)، الأدب فی ظل التشیع، الطبعة الثانية، بيروت: دار التوجیه
الإسلامی.

❖ التوبختی، ابو محمد؛ (١٤٠٤)، فرق الشیعة، الطبعة الثانية، بيروت: دار الأضواء.



فصلنامه ادبیات شیعه

۳۱

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی



فصلنامه ادبیات شیعه

۳۲

آسیب‌شناسی شعر
شیعی در ادب عربی